سیدمحمد هاشمی، قائم‌مقام وزیر و معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ ارشاد و اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بنای لجاجت با هنرمندان را نداریم

معین احمدیان- عاطفه جعفری
گروه فرهنگ

شاید مبالغه نباشد اگر بگوییم بخش عمده‌ای از مشکلات امروز جامعه هنری ایران ذیل دو عنوان قابل احصا و شمارش هستند که یکی مساله چالش‌های ساترا با سریال‌سازان طنز یعنی نبایست خانگی است و دیگری هنرمندانی که پس از آشوب‌های سال ۱۴۰۱، رفتار یا موضع‌گیری‌هایی کردند که ادامه فعالیت‌شان در فضای رسمی کشور را با چالش مواجه کرد. در این خصوص گفت‌وگوی مبسوطی با سیدمحمد هاشمی، قائم‌مقام وزیر و معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ ارشاد و اسلامی داشته‌ایم که زوایای متعددی از این موضوعات را روشن می‌کند و به بسیاری از سوالات پاسخ می‌دهد.

یکی از چالش‌هایی که در دوره حضور شما در معاونت حقوقی، امور مجلس و استان‌ها، پیش آمد و ظاهرا هم ادامه دارد، مربوط به مباحث حقوقی تنظیم‌گری شبکه نمایش خانگی است. اخلاقی که بین تولیدکنندگان فرهنگ ارشاد و سازمان صداوسیما بر سر تنظیم‌گری وی‌او‌دی‌ها به وجود آمده بود، نهایتا برای حل‌وفصل به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارجاع داده شد و اوایل شهریورماه بالاخره مصوبه شش بندی شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص «تعیین الزامات ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر» توسط رئیس جمهور ابلاغ شد. با این حال همچنان برای خیلی از هنرمندان و ناظرها این سوال مطرح است که چه شد وزارت ارشاد اختیار نظارت بر شبکه نمایش خانگی را به صداوسیما واگذار کرد؟

ببینید بهتر است کمی عقب برگردیم و اتفاقات را مرور کنیم. در دهه‌های گذشته، تمام مساله نظارت بر صوت و تصویر برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. با یک تلویزیون دولتی و یک غیرتلویزیون که نظارتش بالادستی با وزارت ارشاد بود. در اواسط دهه ۹۰ با فراگیرشدن هرچه بیشتر اینترنت و آمدن صوت و تصویر در این فضا، گفت‌وگوهایی شکل می‌گیرد. کم‌کم این مفهوم شکل گرفت که صوت و تصویر فراگیر داریم و اینها هویت‌هایی پیدا می‌کنند و شبیه تلویزیون می‌شوند. گفت‌وگوهای مقدماتی بین اصحاب فنی و هنری و حقوقی شکل گرفته بود. اما در طی مسیر ظاهرا به جهت ترک فعل‌هایی که وزارت ارشاد و سازمان صداوسیما در سال‌های ۹۰ داشت (ترک فعل به معنای محکم نگرفتن کار)، باعث شد که برای محتوای نمایشی خارج از محدوده سینما، نظارت، چهارچوب‌بندی و مقررات‌گذاری خوبی انجام نگیرد. یک مفهومی به اسم صوت و تصویر فراگیر ایجاد شد و به مجموعه سازمان صداوسیما احاله داده شد. و در عمل هم کم‌کم با تقاسیر متعدد سازمان از این عنوان، دایره شمولیت صوت و تصویر فراگیر توسعه پیدا کرد تقریبا به کل فضای مجازی رسید. اواخر دولت گذشته هرآنچه مربوط به این موضوع بود با کل هر چهار شرط زیر را داشته باشد، صوت و تصویر فراگیر است؛ ۱- به صورت یک سویه و برای مخاطب عام باشد. ۲- الزامی به شناسایی کاربر و مخاطب نداشته باشد. ۳- بیش از پنج هزار کاربر مخاطب همزمان داشته باشد. ۴- محتوای توزیع‌شده زنده بوده یا کندکاستور و جدول پخش زمانی داشته باشد.»

به غیر از بخش چهار این تعریف نشان می‌دهد که منظور از صوت و تصویر فراگیر، رسانه‌های پروژکت یا همان تلویزیون است.

تقریبا بله. البته با اضافه شدن بخش چهار اقسامی از یوتیوب را هم شامل می‌شود.

برخورد وزارت ارشاد با این مساله چه بود؟

قبل از توضیح بیشتر این را بگویم که فارغ از همه مباحث طلبگی و حقوقی و اداری، کلا منطق همه گفت‌وگوها و همین مصوبه، منطق همدلی، همکاری و تقسیم کار بین وزارت فرهنگ و ارشاد و سازمان صداوسیما است. توفیق صداوسیما در تمشیت همین موضوع، توفیق ما و توفیق نظام است. ایضا موفقیت ما، آبروی صداوسیماست. ما که آمدیم با یک مساله‌ای مواجه بودیم که عرض کردم تصمیم را قبلا گرفته بودند و چیزی در وزارت ارشاد به معنای صوت و تصویر فراگیر وجود نداشت. گام اول این بود که مشخص کردیم وزارت ارشاد و صداوسیما توامان در حوزه صوت و تصویر فراگیر مسئولیت دارند. این اولین چیزی بود که رفتیم و مکتوب کردیم و تقسیم کار شد. به نظر ما اکثر حوزه‌ها، حوزه‌های وزارت ارشاد است، یعنی نظارت بر تبلیغات، سینما، موسیقی، کتاب، خبرگزاری‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و امثال اینها بر عهده وزارت ارشاد است. آنچه برای دوستان صداوسیماست، یکی مساله پخش زنده و یکی هم مساله وی‌او‌دی‌ها هم باز این اشتراک برقرار است؛ چراکه وی‌او‌دی‌ها نیز بعضا محصولاتی ارائه می‌دهند که در حوزه تنظیم‌گری ارشاد است. لذا است که دو نفر از مجموعه وزارت ارشاد در شورای ساخت و دو نفر در شورای پخش عضو هستند. البته یک جمله تکمیلی هم بگویم اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک نهاد ذاتا تنظیم‌گر است و سابقه چند ده تنظیم‌گری در حوزه تقریبا موفقی هم دارد. واقعیت این است که هر نوع تنظیم‌گری در حوزه سمعی- بصری اولویتش با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. یکی از هنرمندان و هنرجامعه اگر در جلسه‌ای می‌گفت آبجرهای این وزارتخانه هم برای این کار درست شده است. از طرف دیگر سازمان صداوسیما یک سازمان ذاتا تولیدگر است. پس ذات این دو نهاد فرهنگی متفاوت است. وقتی ما به تنظیم‌گری می‌رسیم، اولویت با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و سازوکار و منطق، فهم اداری و تعاملی آن را هم داریم. اما طبیعت سازمان‌ها در تصمیم‌گیری‌هایمان باید لحاظ کنیم. اینکه به یک سازمان ذاتا تولیدکننده کار تنظیم‌گری داده شود، طبیعتا باید برود و سازوکارش را در خودش ایجاد کند. اگر با همان عینک و منطق تولیدی و کارفرمای تولید به کار نگاه کند، تنظیم‌گری موفقی نخواهد داشت.

بنا بود شورایی تشکیل شود تا سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر صوت و تصویر فراگیر را مشخص کند و در یک مهلت سه ماه این کار انجام شود. آیا کار به سرانجام رسید و دیگر اینکه وضعیت این شورا و تصمیمات به چه نحوی است؟

چون ابلاغ یا تاخیر انجام شده است فکر می‌کنم هنوز از آن مهلت سه ماهه زمان باقی مانده است. در حال حاضر هم آقای میرباقری به نمایندگی از شورای عالی انقلاب فرهنگی و با حکم دبیر آن شورا، موظف شدند که مقدمات تشکیل آن شورای بند شش را فراهم کرده و در جلسه این شورای چندنفره، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیر شورای عالی فضای عالی انقلاب فرهنگی و دو نفر مسلط و متخصص این فضا حضور دارند و تصمیم‌گیری نهایی صورت می‌گیرد. البته وزارت ارشاد هم جلساتی برای بررسی جوانب این موضوع داشته است. مثل دیدار ما با صاحبان پلتفرم‌ها که برگزار شده و حسب دستور آقای رئیسی بود. آقای رئیس جمهور گفتند شما بنشینید و نظارت این دوستان را بگیرید، یعنی قرار شد ما که وزارت ارشاد هستیم، وقتی می‌خواهیم در جلسه شورا بنشینیم و گفت‌وگو کنیم، بگوییم نظرات ذی‌نفعان شبکه نمایش خانگی را هم در نظر بگیرید. اما ظاهرا این جلسه هم به مذاق دوستان صداوسیما خوش نیامد، اما کارمان را انجام دادیم این کلیت کار ماست. همزمان پیمایش علمی و خوبی انجام دادیم؛ از نگاه و انتظارات عامه مردم از محتوای پلتفرم‌ها و نحوه مصرف فرهنگی آنها در نسبت با این سکوها. ان‌شاءالله در جلسات با استنادات حقوقی و تجمیع دغدغه‌های محتوایی مردمی و توقعات سکوها حاضر خواهیم بود.

شنیده شده که در جلسات اخیر ساترا، دو نفر از اعضای وزارت ارشاد به جلسات نیمه‌رسمی رفتند. به نظر می‌رسد که اختلاف نظرهایی پیش آمده و اخیرا هم به طرفداری است که سازمان صداوسیما درخصوص تعلیق مجوز پروژه «سکاره» مقرار مدیری داشتند. چقدر این موضوع صحت دارد؟ آیا این اختلاف‌نظرها به همان مسائل بنیادینی برمی‌گردد که همچنان حل نشده است؟ جزء وظایف و اختیارات صداوسیما باید با چه؟

بحث فنی زیاد است. اول این است که صوت و تصویر فراگیر چیست؟ مرکز ملی فضای مجازی تعریفی دارد که ما آن را قبول داریم که «چون وقت دوستان صداوسیما زیر بار این تعریف نرفتند، با اینکه قانونا موظف بودند که پیذیرند و این دست تعاریف فنی در حوزه تخصصی فضای مجازی با مرکز ملی بود اما آنها نپذیرفتند. بیینید من از روی متن می‌خوانم. شورای عالی فضای مجازی طی نامه‌ای، مورخ سال ۹۷ تعریفی که از رسانه فراگیر ارائه می‌دهد این است؛ «توزیع گسترده یا ایجاد قابلیت توزیع گسترده محتوای صوتی و تصویری در صورتی که نامه‌نگاری‌های متعدد و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی به یک بسته تبدیل شد و نهایتا تحویل صداوسیما می‌شود! اگرچه وزارت ارشاد در آن دوره اختلاف طبقی داشت و تا لحظه آخر هم به معنای حقوقی این کار محقق نشد، لااقل در اسناد بدیدم اما به معنای اجرایی کاملا این کار انجام شد. که این‌کار اندازه این تلاش و نامه‌نگاری حقوقی، در عمل تنظیم‌گری به‌مقوله و قاطع و هوشمندانه‌ای بر صوت و تصویر و امور سمعی بصری غیر از سینما انجام می‌شد. به هر روی، ابتدای دولت کی آمدیم هم تاکید کردیم که اولا با توجه به قوانین مصرح موجود، یعنی صریح‌تر از صریح، بخش قابل توجهی از تنظیم‌گری شبکه نمایش خانگی برعهده وزارت ارشاد است، مثل طبق سینمایی. دوم اینکه گفتیم ضمن آینده‌نگری این حوزه، می‌بینیم که آینده محتوای خوب، سالم، بالوده، متعهد به اصول ارزشی، شاداب و امیدوارکننده به جامعه ایرانی است. جامعه ایرانی این را از ما توقع دارند؛ در عین حال آنها یک بخش خصوصی هستند و کسب‌وکاری دارند و یک حیات فرهنگی و دیدگاه‌هایی دارند و باید چهارچوب این فضا را دانست و با آنها گفت‌وگو کرد. تجربه ما نشان داده که مجموعه ارتباطی و نظارتی نمایش خانگی در ۶۰۵ ماهی که وزارت ارشاد نقش فعال‌تری داشت، خیلی بهتر شده است. اما اگر در ادامه مسیر کاری صورت گیرد که نشان‌دهنده این باشد که قرار است نابارداری و رقیب‌تراشی شود، عملا در مواجهه به بن‌بست می‌خوریم. بحث بعدی این است که مرجع صدور مجوز ساخت و پخش سریال‌ها و برنامه‌های نمایش خانگی، حسب توافقی که شده یک‌جاست و آن هم همین شوراست. کس دیگری فراتر از این شورا نمی‌تواند و نباید این کار را انجام دهد. همان‌طور که عرض کردم، قرار بوده این شورا تعاملی باشد و ما داریم در این شورا با دوستان حوزه‌ی‌مان در صداوسیما و سازتعامل کرده و به آنها کمک می‌کنیم. اما بحث مهمی که می‌تواند بر این شورا سایه بیندازد، روال‌ها و سازوکارها و فرآیندهای بیرون از شوراست. البته طبیعی است که هر نظارت و شورای نظارتی در چهارچوب آیین‌نامه‌ای عمل می‌کند. طبعا باید این آیین‌نامه مشخص و مضبوط باشد و طوری شفاف شود که موید تصمیمات شورا باشد. ما در وزارتخانه، ضوابط مربوط به ساخت و اکران فیلم سینمایی را بدهیم در شورای هنر که یک شورای قرارورارتخانه و فرادولت است و تصویب کردیم. به نظرم دوستان صداوسیما هم اگر این کار را انجام دهند خوب است.

بروز چنین اختلافاتی ظاهرا ولین نشانگانی است بر اینکه مسیر انتخاب شده برای ارائه مجوزها اشتباه انتخاب شده است؟ شما توافق کردید که این شورا تشکیل شود که اختلافات بین سازمان صداوسیما و بخش نمایش خانگی کم شود اما ظاهرا اختلافات سر پروژه‌ای مثل اسکار دوباره شدت گرفته است.

باز هم تاکید می‌کنم که شخصا این اختلافات را تایید نمی‌کنم. ما اید‌ه‌مان را قبلا گفتیم، نکته من این است که ما در مساله صوت و تصویر فراگیر قائل به این هستیم که یک نهاد و شورای فرادستگاهی و حتی فراقوای شکل بگیرد و این کار را پیش ببرد. ممکن است این شورا تصویب اولیه را بگیرد و اصول نظارتی را مشخص کند، اما در ادامه مسیر، ما کارمان این نیست که بگوییم این مجوز را بده یا نده. ما کارمان این است که هر نوع تنظیم‌گری در حوزه سمعی- بصری اولویتش با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. یکی از هنرمندان و هنرجامعه اگر در جلسه‌ای می‌گفت آبجرهای این وزارتخانه هم برای این کار درست شده است. از طرف دیگر سازمان صداوسیما یک سازمان ذاتا تولیدگر است. پس ذات این دو نهاد فرهنگی متفاوت است. وقتی ما به تنظیم‌گری می‌رسیم، اولویت با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و سازوکار و منطق، فهم اداری و تعاملی آن را هم داریم. اما طبیعت سازمان‌ها در تصمیم‌گیری‌هایمان باید لحاظ کنیم. اینکه به یک سازمان ذاتا تولیدکننده کار تنظیم‌گری داده شود، طبیعتا باید برود و سازوکارش را در خودش ایجاد کند. اگر با همان عینک و منطق تولیدی و کارفرمای تولید به کار نگاه کند، تنظیم‌گری موفقی نخواهد داشت.

اما همین شیوه نظارت در فضای مطبوعات وجود دارد و اهل رسانه خودش رامانم به رعایت قوانین می‌کند. این شیوه نظارت رامی‌توان در شبکه نمایش خانگی هم به کار برد.

درست است اما این حرف هم زیبراست حقوقی می‌خواهد و هم مفاهمه فرهنگی. در مطبوعات سال‌ها این رفت‌وآمدها شده و چهارچوب‌هایی که شما هم می‌دانید، پذیرفته‌شده هستند و در رابطه با چهارچوب‌های فرهنگی و مطبوعات است. این باید در بسترهای مختلف هم اتفاق بیفتد. بعد می‌توان این کار را کرد. اما آن روزها این روزهای ما فاصله دارد.

آن بخشی از لایحه هفتم توسعه که مرتبط با شبکه نمایش خانگی بود هم در مجلس محل بحث قرار نگرفت. چرا؟

آن را به همین مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که اشاره کردید، سپردند و به آن احاله دادند. تصمیم‌شان این بود که همان جمع تخصصی فرهنگی وفنی موضوع را بررسی ببرد، گرچه این مساله مساله‌ای قیام و قعودی نیست و یک مطالعه عمیق و دقیق می‌طلبد و کاری است که مردانگی است و باید وقت بگذارند و تعاریف و خطوطکشی‌ها را دقیق کنند. ضمن اینکه نظرات متفاوت و ایده‌های مختلف هم آنجاهست. وقتی یک قانون را می‌نویسند، خطرهای مختلف را بالا و پایین کرده و بالاخره آن را تقدیم می‌کنند اما ایده‌های متفاوتی وجود دارد از اینکه نهادی مثل آکادمی داشته باشیم تا اینکه دست ارشاد باشد یا دست صداوسیما قرار گیرد تا مشترک باشد. اینها اختلافاتی است که در یک جمع متخصص قابل گفت‌وگو است. مباحثی که هر کدام‌مان، درپایی از قوانین و احکام ذیل خودش می‌طلبد و باید دست اینها از مطالعه و تحقیق پر باشد که آنجا جمع بندی کند.

یکی دیگر از مباحث چالشی که این روزها مورد اعتراض اهالی هنر و به‌خصوص سینمایی‌ها قرار گرفته است، اظهارنظری است که جناب وزیر ارشاد درخصوص هنرمندان زن ممنوع‌الفعالیت داشتند. این صحبت وزیر به لیستی از زنان بازیگری الصاق شد که دریک سال اخیر کشف حجاب کرده بودند. سوال اول اینکه آیا وزارت ارشاد، لیستی ازهنرمندان زن ممنوع‌الفعالیت منتشر کرده است و سوال دیگر اینکه آیا به لحاظ قانونی سازوکار برای وزارت ارشاد تعریف شده که جلوی فعالیت هنری اهالی سینما را بگیرد؟

اجمالا بگویم که نظام حکمرانی حقوقی و فرهنگی کشور، ابزارهای قانونی برای این موضوع را دارد. این نکته اول. نکته دوم اینکه من یادم نمی‌آید لیستی را رسما معرفی کرده باشند. در موضوع مساله کشف حجاب این را از روز اول هم صراحتا وزارتخانه بدون هیچ لکنت و ردوبدایستی اعلام کرده بود کسانی که کشف حجاب کرده باشند، به‌هرحال تا وقتی که بر همان مدار و منطق بخواهند ادامه مسیر داشته باشند، امکان فعالیت‌های فرهنگی و هنری نخواهند داشت. آقای وزیر هم صراحتا گفته بودند، آقای خزاعی و معاون ایشان هم گفته بودند، ابزار قانونی هم برای راهبری این موضوع هست. اینکه گفته شود این مساله حاله قانون است، حرف حقوقی دقیقی نیست. چطور می‌شود رفتاری خلاف شرع و قانون و به طور مشخص‌تر خلاف اصل ۴۰ قانون اساسی و هیچ پاسخ قانونی نداشته باشد؟ این کاش همکاران حقوقی من و کسانی که این حرف را تکرار می‌کردند اندکی فرصت می‌گذاشتند و قانون شکنان را به رعایت قانون دعوت می‌کردند.

پس به لحاظ حقوقی شما می‌گویید امکانش هست؟

بله، امکانش هست. کاری غیرقانونی نیست.

به هر حال بحث وجود دارد که یک هنرمند چگونه می‌تواند جبران کند و دوباره ادامه فعالیت دهد؟ مثلا یک راهی از خانم‌های کشف‌حجاب‌کرده بخواهند ادامه فعالیت دهد، باید چه مراحلی را طی کند؟ به لحاظ حقوقی این مساله هم مشخص شده است؟ سازوکاری برای جبران آن وجود دارد؟

بله و تجربه‌اش هم هست. بیشتر از یکی و دو تا.

به نظر می‌رسد که پیش از این، سیاست اعمالی بوده تا اعلامی؟

من سیاست اعلام و اعمال را تنظیم نمی‌کنم اما آن بخش را که مکالمه پاسخ دهم، عرض می‌کنم که مجرای قانونی و ابزار حقوقی برای این موضوع وجود دارد.

همان‌طور که گفتید لیستی از هنرمندان ممنوع‌الفعالیت از جانب وزارت ارشاد اعلام نشده است و بیشتر ناشی از شیطنت رسانه‌ای بود که فکر می‌کنیم به ضرر آن چهره‌های زن سینمایی تمام شود. به نظر می‌رسد وزارت فرهنگ و ارشاد، علی‌رغم اینکه بر مواضع و اصول قانونی تاکید دارد، راه را برهیچ هنرمندی نبسته است و بر تعامل حداکثری با آنها تاکید دارد. ضمن اینکه برخی از خانم‌هایی که سال پیش کشف حجاب کرده بودند هم در مراسمات اخیر با حجاب حضور داشتند.

به‌طور کلی ما بنای بر تعامل با همه هنرجامعه نداشته و نداریم، چون منطق ما خلاف این است. منطق و استراتژی ما تعامل و گفت‌وگو است. در همین مساله حقوقی که شما می‌گویید بارها و بارها به‌ویژه در سال گذشته که ما یک رفتار غیرحقوقی از جانب معدودی از هنرمندان داشتیم، تمام تلاش‌مان را معطوف این کردیم که با گفت‌وگو متوجه ما حقوقی رفتار و گفتارشان کنیم. این جمله را هم گفتیم که اگر کسی خلاف منافع ملی و قانون و شریعت رفتار معاجرانه‌ای را از خودش نشان دهد، طبیعتا از سمت هیچ ایرانی و شهروند قانونمداری پذیرفته نیست و از ما به عنوان وزارت ارشاد که به‌هرحال متولی حوزه فرهنگ و هنر و رسانه هستیم، متوقع هستند که عکس‌العمل مشخص و قانونی داشته باشیم اما در عین حال می‌فرمایید که بعضی اصلاح رفتار و گفتار کردند. هر کدام از اینها هم که باشد، کاملا این حرف طبق همان ضوابط حقوقی خودش قابل اصلاح و ترمیم و برگشت است، چون منطق ما بر لجاجت و تقابل نیست بلکه منطق ما تعامل است و دل‌مان می‌خواهد آنچه حاکم بر جامعه هنری است، اتفاقا رفتاری حقوقی باشد.

ادامه از صفحه ۱۳

نگاهی به فیلم‌هایی که سینمای آمریکا درباره تسخیر سفارت این کشور در تهران ساخت

نیروی دلتافورس شکست خورد سینماگران را بفرستید!

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

سیزدهم آبان‌ماه روز بسیار پرماجرایی در تقویم سیاسی و اجتماعی ایران است. سال ۱۳۴۳ در چنین روزی امام خمینی پس از سخنرانی معروفش علیه کاپیتولاسیون از ایران به ترکیه تبعید شد و درحالی که عمده مسیر دستگیری و بازداشت را ساکت بود و با کسی حرف نمی‌زد در هواپیما به ماموران ساواک که همراهش بودند، گفت: «من به جرم دفاع از وطنم تبعید شدم.» و دیوانه‌لب فرو بست. سال ۱۳۵۷ هم در چنین روزی دولت شریف‌امامی که رئیس ساواک می‌گفت اگر نخست‌وزیر شود کشور را دوماهه به حالت انقلابی فرو خواهد برد، واقعا چنین کرد. او یک روز کوتاه می‌آمد و روز دیگر ناگهان خشونتی خونین به خرج می‌داد و یکی از فوس‌های صمودی این خشونت‌ورزی سیزدهم آبان‌ماه بود؛ روزی که مقابل دانشگاه تهران تعدادی از دانش‌آموزان به گلوله بسته شدند.

اما سیزدهم آبان را با یک عنوان دیگر هم می‌شناسند؛ تسخیر سفارت آمریکا در تهران که از جانب تسخیرکنندگانش به لانه جاسوسی شهرت پیدا کرد. این اتفاق در سال ۱۳۵۸ و به دست تعدادی از دانشجویان رخ داد و هدفش وادار کردن آمریکایی‌ها به پس دادن شاه بود. شاه با هر زحمتی توانست بالاخره وارد آمریکا شود و ایرانی‌ها می‌ترسیدند که دولت آمریکا مثل سال ۳۲ دوباره بخواهد کودتا کند و او را به قدرت بازگرداند. تسخیر سفارت آمریکا در تهران از جمله بحث برانگیزترین اتفاقات تاریخ معاصر به‌حساب می‌آید و سینمای ایران تنها یا یک فیلم سراغ آن رفته است. فیلمی که آن هم ربط مستقیمی به خود سفارت ندارد و به نیروهای دلتافورس مربوط می‌شود که برای نجات آمریکایی‌ها به ایران آمدند و در طوفان شن گرفتار شدند. فیلم «طوفان شن» از محمدجواد شمقدری، البته در این خصوص مستند‌های زیادی ساخته شد ولی در حوزه داستانی عملا هیچ فیلمی به خود واقعه اشاره نکرده است. جالب اینجاست که آمریکایی‌ها هم در این خصوص کم‌کار بودند تا اینکه در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۷ میلادی، دو فیلم توسط کارگردانان ایرانی-آمریکایی با اشاره به این موضوع ساخته شد. این دقیقا به پس از وقایع ۱۱ سپتامبر و حمله به برج‌های دوقلو مرکز تجارت جهانی برمی‌گردد که مقیاس اسلام‌ستیزی در غرب بسیار بالا رفته بود و عده‌ای از افراد ایرانی‌الاصل در تلاش برای سازگردن حساب خودشان از مردم منطقه خرب آسیا بودند. بیش از یک دهه بعد، وقتی تقابل ایران و آمریکا خیلی جدی‌تر شد این بار چند نفر از ستاره‌های سینمای آمریکا راسا وارد کردند و در این باره فیلمی ساختند به نام «آرگو». با این فیلم که برنده اسکار هم شد، تعداد بسیار بیشتری از مخاطبان آشنا هستند. در ادامه به مناسبت ۱۳ آبان‌ماه مروری کرده‌ایم بر سه فیلمی که سینمای آمریکا با موضوع تسخیر سفارت این کشور ساخته است.

آمریکای زیبا- ۲۰۰۱

فیلم «آمریکای زیبا» (AmericaSoBeautiful) در حقیقت چیزی نیست جز هنرمانچه درامسش آمده است. داستان گروهی از مهاجران ایرانی در لس‌آنجلس را دنبال می‌کند که سعی دارند در بحبوحه بحران تسخیر سفارت آمریکا در تهران، جایگاه خود را در آمریکا پیدا کنند. هوشنگ براین باور است که بلیت خروج از بازار فارسی عمومایش را داده و این بلیت یا برگ برنده، شریک شدن در یک دیسکوی پرزرق‌وبرق است. البته او باید بتواند سرمایه لازم برای این کار را فراهم کند. درحالی که هوشنگ تلاش می‌کند تا پای خانواده‌اش را به این معامله بکشاند، تصمیم می‌گیرد با بردن آنها برای یک شب در دیسکو، تکه‌ای از رویا را به آنها نشان دهد. آنها در عرض باشی از شگفتی و دگرگونی مواجه می‌شوند که مملو از شادی، درد و کشاکش است. شب نومیدانه همگون‌سازی خانواده هوشنگ با فرهنگ آمریکا به جست‌وجویی متحرک برای هویت، فرهنگ و کالبدشکافی مؤثر در رویای آمریکایی تبدیل می‌شود. یک شکریان که کارگردان این فیلم بود در سال ۲۰۱۵ هم یک فیلم دیگر به نام ShahBob را کارگردانی کرد که چندان دیده نشد.

مریم- ۲۰۰۲

«مریم» نوجوان ایرانی الاصلی است که در حومه نیوجرسی زندگی می‌کند. تا زمانی که پس از دستگیری گروگان‌های آمریکایی در ایران احساسات ضدایرانی در جامعه اطراف او قوران کند. خودش و رایک آمریکایی می‌داند. حالا با شرایط فرق کرده است. به عبارتی این فیلم به تجربیات ایرانیانی می‌پردازد که به دلیل تار شدن روابط بین ایران و آمریکا در آمریکا با تبعیض مواجه می‌شوند. زامین سری که کارگردان این فیلم بود ده سال بعد یک فیلم بلند دیگر به نام «بی‌عشق» ساخت و این دو مورد، تنها فیلم‌هایی هستند که تا به حال از او دیده شده است. مریم پریس که در این فیلم نقش مری آرمین رازی می‌کند، تنایه حال در چند سریال درجه چندم حضوری تک‌قسمتی داشته است و در این فیلم شهره آغداشلو نقش مادر او را بازی می‌کند. شان توب در نقش پدر مریم و همچنین دیوید آکرت، ماز جبرانی، ویکتور جوری، گلی سمیعی، آرمین امیری و تعداد دیگری از بازیگران که هیچ‌کدام چهره شناخته‌شده‌ای نیستند، از دیگر بازیگران این فیلم به حساب می‌آیند.

آرگو- ۲۰۱۲

«آرگو» ماجرای یک مامور سیاست که تحت پوشش یک تهیه‌کننده ماجراجوی درحال جست‌وجو و تحقیق برای ساخت فیلمی علمی- تخیلی است، اما عملیات خطرناکی را برای نجات شش آمریکایی در تهران آغاز می‌کند که در جریان بحران اشغال سفارت آمریکا در ایران به راه افتاده است. کارگردان این فیلم بن افلک است و جرج کلونی تهیه‌کننده آن بود که هردو از ستاره‌های سینمای هالیوود هستند. بن افلک خودش هم در این فیلم بازی کرده و هریپشه‌های دیگری که هیچ‌کدام ستاره نیستند از جمله برایان کرانستون، آلن آرکین، جان گودمن و الکساندر دسپلا هم بازیگران دیگر کار هستند. آرگو پر از جعل‌های مشخص تاریخی است اما با حمایت سازمان سیا که به‌طور رسمی اعلام شد توانست فروش خوبی در آمریکا پیدا کند. یکی از نکات اصلی این فیلم تاکید آمریکایی‌ها روی قدرت سینما برای نفوذ در قلب سیستم امنیتی ایران است. آنها به این طریق سعی در فرار از اشاره به ماجرای طوفان طبس داشتند.

۸ره فیلم ضدآمریکایی شبکه نمایش آمریکایی هستند

شبکه نمایش به مناسبت فرارسیدن روز مبارزه با استکبار جهانی، مجموعه‌ای ازآثار سینمایی باموضوع پخش‌بیده سیاست راتقدیم بینندگان خود می‌کند که البته همگی محصول خود آمریکا هستند. به نظر ازروابط عمومی این شبکه، به شماره روز ۱۳ آبان، از پنجشنبه ۱۱ تا ۱۷ آبان فیلم‌هایی با این موضوع روی آنتن شبکه می‌رود. فیلم سینمایی «معاون»، پنجشنبه ۱۱ آبان ساعت ۲۳ پخش می‌شود. این فیلم درباره ماموری جوان است که به عنوان دستیار شخصی یکی از فرماندهای وزارت دفاع آمریکا شروع به کار می‌کند. فیلم سینمایی «سگ راهنمایان»، جمعه ۱۲ آبان ساعت ۲۳ پخش می‌شود. داستان ۱۱ روز مانده به انتخابات آمریکا را روایت می‌کند که یک دختر ۱۷ ساله مدعی می‌شود توسط رئیس‌جمهور در دفترش مورد تعرض قرار گرفته است. فیلم سینمایی «هدف بالاتر» کلاس، شنبه ۱۳ آبان ماه ساعت ۱۵ پخش می‌شود. هدف از ساختار سینمایی سینمای هالیوود هستند. بن افلک خودش هم در این فیلم بازی کرده و هریپشه‌های دیگری که هیچ‌کدام ستاره نیستند از جمله برایان کرانستون، آلن آرکین، جان گودمن و الکساندر دسپلا هم بازیگران دیگر کار هستند. آرگو پر از جعل‌های مشخص تاریخی است اما با حمایت سازمان سیا که به‌طور رسمی اعلام شد توانست فروش خوبی در آمریکا پیدا کند. یکی از نکات اصلی این فیلم تاکید آمریکایی‌ها روی قدرت سینما برای نفوذ در قلب سیستم امنیتی ایران است. آنها به این طریق سعی در فرار از اشاره به ماجرای طوفان طبس داشتند.

«بچه‌زرنگ»؛ پرفروش‌ترین انیمیشن سینمای ایران

انیمیشن سینمایی «بچه زرنگ» از فیلم‌های اکران شده فصل پاییز بود که از پنجم مهر در سالن‌های سینمایی سراسر کشور به نمایش عمومی درآمد. این فیلم تاکنون ۷۰۰ هزار مخاطب داشته است و طی پنج هفته اکران به فروش ۲۴ میلیارد تومان رسیده است. بچه‌زرنگ بازشدی صعودی درگذینه توانسته است به پرفروش‌ترین فیلم کودک و همچنین پرفروش‌ترین انیمیشن تاریخ سینمای ایران تبدیل شود. این فیلم به کهنه‌کندکی حمام جعفری و نویسندگی علی رمضان، از ابتدای اکران توانست با اقبال کودکان و خانواده‌های شان مواجه شود و رکوردهای مختلفی را جابه جا کند. این فیلم در ابتدا توانست عنوان دومین فیلم فروش هفتگی و روزانه سینماها را در اختیار بگیرد و در هر هفته با یک رشد صعودی، فروش بیشتری نسبت به هفته قبل داشته باشد. همچنین این فیلم توانست در چند هفته ابتدایی اکران به پرفروش‌ترین فیلم کودک تلویزیونی به نام «فرار نهایی» و یک انیمیشن بچه‌زرنگ درباره مریم‌جی‌ها به نام محسن است که عاشق این قهرمان‌های فیلم‌هاست و همیشه تلاش می‌کند تا با وسایل ابرقهرمانی اش به هرکس و هر چیزی کمک کند. اما در یک اتفاق نادر، محسن با بیرون مواجه می‌شود که از گونه حیوانات منقرض شده ایران است و تصمیم می‌گیرد تا به آن حیوان هم کمک کرده و او را به زادگاهش بازگرداند. به گفته جعفری، این پروانه‌سازی در دو نسخه تولید شده است. نسخه‌ای که آن آن، ایرانی و برای کشورهای مسلمان و نسخه دیگر هم برای کشورهای غیرمسلمان است. انیمیشن سینمایی بچه‌زرنگ، سومین محصول انیمیشن سینمایی گروه هنر پویا و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که به همت یک تیم ۲۵۰ نفره از جوانان ایرانی به کارگردانی مشترک بهنود نکویی، هادی محمدیان و محمدجواد جندی ساخته شده است. این پروژه از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ به مدت چهار سال درحال ساخت بود و در جشنواره فجر ۱۴۰۱ پخش شد. آهنگسازی این اثر توسط امیر توسلی و با مدیریت تولید اسماعیل کاری انجام شده است.

ادامه از صفحه ۱۲